

Original Paper **A Look at Allegory Based on Sensible and Sensible Transitions in Fakhreddin Iraqi's allegory**

Shirin Kabiri^{1*}, Javad Ostad Mohammadi²

Abstract

What distinguishes an artist's poetry and writing from other poets and writers and makes him lightweight is the emphasis on a particular type of rhetorical principle. For example, a poet like Hafiz has become a city with his own unique illusions and another poet in using metaphors and other literary industries. Allegory is one of the most widely used categories in the poetry of poets of different periods, and in most works, we see its types. Iraq, one of the most famous poets and the style of the seventh century AH, has a deep and profound view of the allegory and has had unique uses in its poems. This article aims to examine the general Iraqi court, analyzing the allegory by descriptive - analytical method and library method by bringing an example witness. The findings of the study showed that Iraqis, using the common arrays of their covenant, had the greatest reach and diversity of themes and structures in the allegory, which proves that he was creative in bringing the allegory, in addition to memory and study, because he did not only use the famous allegory; but also had his own allegory, which he created through reasonable and tangible transitions; linking the similarity, cause and proof of the claim of these allegories.

Key words: Iraqi Fakhruddin, allegory, link of similarity, cause, proof of lawsuit.

- 1- Department of Persian Language and Literature, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. shirinkabiri61@gmail.com
2- Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Dehaqan Branch, Islamic Azad University, Dehaqan, Iran. ostadmohamadi@yahoo.com

Please cite this article as (APA): Kabiri, Shirin, Ostad Mohammadi, Javad. (2024). A Look at Allegory Based on Sensible and Sensible Transitions in Fakhreddin Iraqi's allegory. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(60), 94-113.



Creative Commons: [CC BY-SA 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/)



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 60/ Summer 2024

Receive Date: 20-04-2024

Accept Date: 15-06-2024

First Publish Date: 08-07-2024

شیرین کبیری^{۱*}، جواد استاد محمدی^۲

چکیده

آنچه که شعر و نوشته یک هنرمند را از باقی شاعران و نویسندگان متمایز می‌کند و او را داری سبک می‌نماید، تأکید بر نوع خاصی از اصول بلاغت است. برای مثال شاعری چون حافظ؛ با ایهام‌های منحصر به فرد خود شهره گشته و شاعری دیگر در به کار بردن تشبیه و استعاره و باقی صناعات ادبی. تمثیل یکی از مقوله‌های گسترده و پرکاربرد در اشعار شاعران دوره‌های مختلف است که در اکثر آثار، انواع آن را مشاهده می‌کنیم. عراقی که یکی از شاعران بلندآوازه و صاحب سبک قرن هفتم هجری می‌باشد به مبحث تمثیل دیدی عمیق و ژرف داشته و از آن استفاده‌های منحصر به فردی در اشعارش داشته است. این مقاله با هدف بررسی کلیات دیوان عراقی، با شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای تمثیل را از طریق آوردن شاهد مثال تحلیل کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داده که عراقی با بهره‌مندی از آرایه‌های رایج عهد خود بیشترین بسامد و تنوع مضامین و ساختار را در تمثیل داشته که ثابت می‌کند او در آوردن تمثیلات، علاوه بر حافظه و مطالعه، خلاقیت هم داشته؛ چراکه تنها تمثیلات مشهور را استفاده نکرده؛ بلکه تمثیلاتی خاص خود هم دارد که از طریق گزاره‌های معقول و محسوس؛ پیوند شباهت، علت و اثبات دعوی این تمثیلات را ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: فخرالدین عراقی، تمثیل، پیوند شباهت، علت، اثبات دعوی.

۱- مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. shirinkabiri61@gmail.com
 ۲- استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. ostadmohamadi@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: کبیری، شیرین، استاد محمدی، جواد. (۱۴۰۳). نگاهی به تمثیل براساس گزاره‌های معقول و محسوس در اشعار فخرالدین عراقی. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. (۱۶(۶۰)، ۹۴-۱۱۳.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت / تابستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۹۴-۱۱۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

۱- مقدمه

آنچه در این پژوهش تطبیقی مورد توجه قرار گرفته، مروری بر تمثیل و چگونگی نگرش عراقی نسبت به این موضوع و چگونگی بهره‌مندی او از تمثیل در اشعار خود است. تمثیل جملات کوتاه و همچنین داستان‌های کوتاه یا طولانی است که شاعران و نویسندگان در آثار خود برای انتقال دقیق مفهوم استفاده می‌کنند.

تمثیل تاریخ طولانی دارد و تقریباً همه ملت‌ها و اقوام از آن تا حدی استفاده کرده‌اند تا حدی که تمام کتاب‌های آسمانی مانند تورات، انجیل و به ویژه قرآن دارای تمثیل‌های بسیار است. همچنین، به دلیل گرایش مردم عادی به آن، بسیاری از تمثیل‌ها در موضوع آموزش و ارتباطات بسیار ارزشمند هستند.

همان‌طور که می‌دانیم عراقی شاعر عارف است که بعد از سنایی و به پیروی از او و شیوخ عارف، دنیا و مادیات را ترک می‌کند و مسیر قلندری را در پیش می‌گیرد. در شعر عراقی چیزی به نام امثال رذیله وجود ندارد. هیچ جایی در شعرش تمثیلی نیست که نشان‌دهنده تملق یا چاپلوسی او باشد. تنها زمانی که در حضور معشوق و عدم توجه او قرار می‌گیرد از تحقیر و عدم شایستگی خود سخن می‌گوید. به-عنوان مثال، او می‌گوید: «به سنگ خویش توجه می‌کنی به ما توجه نمی‌کنی، پادشاه را کجا نظر به گدایان است؟»

همین جذابیت در اشعار او ما را بر آن داشته تا به بررسی تمثیلات اشعار او در این پژوهش در حد مجال پردازیم.

۲- بیان مسأله

تمثیل در ادبیات فارسی جایگاه مهمی دارد. متون فارسی اعم از نظم و نثر پر از جملات و عباراتی هستند که جنبه نمادین پیدا کرده‌اند. ضرب‌المثل‌هایی از گذشته‌های دور در ادبیات فارسی وجود داشته که می‌توان نمونه‌های آن را در آثار بزرگانی مانند: رودکی، نظامی، سعدی، عطار، حافظ و مولانا و شاعران و نویسندگان معاصر مانند: پروین اعتصامی، نیما یوشیج، جلال آل احمد، جمال‌زاده و ... مشاهده کرد. این فراوانی استفاده از تمثیل نشان‌دهنده ارزش و جایگاه تمثیل در ادبیات فارسی است. ارزش این موضوع، از آنجایی مشخص می‌شود که شاعران و نویسندگان تمثیل یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌ها برای هدایت و انتقال و درک مفاهیم آموزشی و ایدئولوژی قرار داده‌اند و مفاهیم معنوی و اخلاقی را از آن طریق انتقال می‌دهند. به همین مناسبت، در این مقاله، محقق سعی می‌کند تا در مورد تمثیل و ویژگی‌های آن و معانی که می‌رساند، در شعر فخرالدین عراقی با آوردن نمونه‌هایی از

اشعار او بحث نموده و به این سوال اصلی پاسخ دهد که عراقی برای بیان سخنان و نشان دادن افکارش تا چه میزان از تمثیل‌های مختلف بهره برده است؟

۳- ضرورت و هدف تحقیق

باتوجه به این‌که فخرالدین عراقی از شاعران و نویسندگان شاخص ادبیات است و مطالعه آثارش باعث درک بهتری از او و اندیشه‌اش می‌شود، و می‌تواند در مسیر آموختن عرفان و عشق راهگشا باشد و بررسی آثارش از جنبه‌های ادبی هم باعث فهم عمیق‌تر اشعارش می‌گردد و علاوه بر این‌ها تمثیل از اصول اساسی در قلمرو ادبی است؛ بنابراین، مطالعه اشعار عراقی از جنبه بررسی آن‌ها در زمینه تمثیل ضرورت ادبی به‌شمار می‌رود و هدف این پژوهش هم درک بهتر اشعار فخرالدین عراقی و تمثیل از طریق اشعار عراقی است.

۴- سوالات تحقیق

- فخرالدین عراقی تا چه میزان در اشعارش از تمثیل بهره برده است؟
- کدام نوع از پیوندهای ادبی (شباهت، علت، اثبات ادعا) در اشعار عراقی بیشترین بسامد را دارد؟

۵- پیشینه پژوهش

- علی‌زاده، سهراب‌نیا، حسین‌پور. (۱۴۰۲). «بررسی کنایه در ۱۰ قصیده ابتدایی دیوان فخرالدین عراقی». نویسندگان در این مقاله آورده‌اند که فخرالدین عراقی یکی از شعرای قرن هفتم بود که از فن کنایه در اشعارش بسیار بهره گرفته و علاقه بسیاری به بیان غیرمستقیم سخن؛ یعنی کنایه داشته است.
- علی‌زاده، سهراب‌نیا، حسین‌پور. (۱۴۰۲). «بررسی تلمیح در ۱۵ قصیده ابتدایی فخرالدین عراقی». نویسندگان به این مطلب رسیده‌اند که فخرالدین عراقی با توجه به این‌که فردی اهل تصوف و دیندار بود، از پشتوانه دینی خود در اشعارش استفاده بسیار کرده و این باعث شده تا تلمیحات زیبای فراوانی در اشعارش بیاورد که بیشتر آن‌ها مربوط به دین می‌باشد.
- محمدی افشار. (۱۴۰۰). «سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی». نویسنده در این مقاله به این نتیجه رسیده که از مجموع ۳۰۳ غزل در کلیات دیوان عراقی ۹۷ غزل-داستان هست که نسبت به کل غزلیات شاعر، حدود یک سوم غزل‌های وی می‌باشد. تعداد ۱۸ مورد، به غزل‌هایی اختصاص دارد که عنصر برجسته آن‌ها «گفتگو» است و ۳۳ مورد به غزل-داستان‌هایی که مبتنی بر «حکایت» است.

- مسلمی‌زاده (۱۳۹۶). «رویکردی به شگردهای اسلوب معادله و تشبیه تمثیل در دیوان عراقی». یافته‌های مقاله نشان داده که عراقی بیشترین بسامد و تنوع مضامین و ساختار را در اسلوب معادله داشته و در کنار آن انواع تشبیه، مخصوصاً تشبیه تمثیل را داشته که نشان از خلاقیت و هنرمندی او دارد.

۶- روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

۷- مبانی نظری

■ تمثیل:

تمثیل در لغت به معنای: «مثل آوردن»، «نگاشتن پیکر»؛ «تصویر کردن چیزی»، «عقوبت کردن»، «مثله کردن برای سیاست و تنبیه»؛ «داستان، افسانه، کنایه، تقلید و درآوردن تشبیه» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه تمثیل).

با توجه به این‌که یکی از معانی تمثیل، مثل آوردن است و چون گاهی تمثیل و مثل مترادف و با هم آمیخته می‌شوند، ابتدا مثل را توضیح داده، سپس معنای واقعی و جامع تمثیل را تعریف می‌کنیم.

مثل در فرهنگ لغت به معنی مشابه، مانند، حدیث، روایت، اثبات و مثل است (بند ریگی، ترجمه منجدالطَّلَاب، ۱۳۷۴: ذیل کلمه مَثَل)

«کلمه «مثل» در هشتاد آیه و کلمه «مثل» در هشتاد و یک آیه در قرآن آمده و شکل جمع هر دو کلمه، أمثال است و در قرآن در معانی متفاوت آمده است:

الف) در معنای «حکایت تمثیلی»: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ...» «(ای رسول ما حکایت) دو مرد (یکی مؤمن و یکی کافر) را برای امت مثل بیاور که...» (س/۱۸/آیه ۳۲)

ب) در معنای داستان‌های گذشته در تاریخ، برای تأمل و عبرت: «وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ...» (س/آ؛ ۲/۲۱۴) (خیال نکنید به بهشت داخل می‌شوید بدون تحمل سختی‌ها که پیش از شما بر گذشتگان آمد...)

ج) به معنی «شبیبه»: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا...» (۱۷/۴۳) (و چون یکی از آنان را به آنچه به [خدای] رحمان نسبت می‌دهد، مژده دهند...» (حکمت، ۱۳۶۱: ۱۱۸).

د) به معنی «صفت»: «لَلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ» (۶۰/۱۶) «برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفات زشت است».

ه) به معنی «نمونه کامل»: «إِنَّ هُوَ أَلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا» (۵۹/۴۳) «عیسی نبود جز بنده خاصی که ما او را به نعمت (رسالت) برگزیدیم و بر بنی اسرائیل مثل (و حجت) قرار دادیم».

(حکمت، ۱۳۶۱: ۱۲۰)

وی (ابن اثیر) در «الجامع الکبیر» تمثیل را چنین تعریف کرده کرده است: «تشبیهی است بر سیل کنایه بدین گونه چون اراده اشارت به معنا کنی، الفاظی به کاربری که دلالت بر معنایی دیگر داشته باشند که مقصود تو است. مثل این که بگوییم: ، یعنی فلان، پاکیزه است بدین قصد که از عیب مبراست» «تشبیهی در مسیر کنایه، چون شما اراده معنا کنی، کلماتی استفاده می کنی که بر معنایی دیگر دلالت می نماید. مثل این است که بگویی: فلان نقی التوب؛ یعنی کسی که پاک است، در این معنا که آن سخن از هر عیب و گناهی پاک و مبراست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۴۴).

پورنامداریان در تعریف تمثیل چنین آورده: «مثال کردن چیزی و یا اشاره کردن به یک واقعیت تاریخی، داستانی و قرآنی و ... با توجه به کلمه‌ای که رابطه معقول با آن دارد. این صنعت به گونه‌ای است که شاعر در یک بیت یا در یک مصرع یک مثل می آورد و از آن برای بیان هدف خود به بهترین شکل ممکن استفاده می کند (پورنامداریان، ج ۴: ۱۱۱).

مثل ممکن است به شکل داستانی از زبان حیوانات و اشیاء یا حتی از زبان افراد باشد. لذا بزرگان ادبیات فارسی، روایاتی را که از زبان حیوانات و ضرب‌المثل‌های غیر انسانی است، امثال نامیده‌اند. مانند:

در تنگنای ظلمت هستی چه مانده‌ام تا کی چو کرم پیله همه گرد خود تنم؟

(ص ۱۸، ش ۱۱۸)

کرم پیله خود را کفن خود کردن است که به صورت ضرب‌المثل درآمده است. به طور کلی، مثل و تمثیل به معنای یک چیز هستند و طبقه‌بندی آن‌ها به انواع مختلف منطقی نیست.

تقسیم‌بندی به این صورت است: یکی این که جملات کوتاه که احتمالاً منشأ داستانی دارند و در یک یا حداکثر دو جمله بیان می شوند. در این زمینه کتاب‌هایی وجود دارند که شامل ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده می باشد. مانند: «امثال» میدانی یا «امثال الحکم» دهخدا. نوع دیگری از تمثیل یا مثل از

نوع خیالی است. به عبارت دیگر، در این نوع تمثیل، یک قصه یا داستان به عنوان یک نمونه یا مثل برای یک مشبه آورده می‌شود. در نتیجه، تمثیل، که مشبه به موضوع یک مفهوم است، هدف و قصد ذهنی ما را به روشی ملموس و محسوس بیان می‌کند. مانند استفاده از حیوانات خیالی و اساطیری:

زآفتاب نظرت بر سر او سایه فکن تا مگر بر مگسی سایه عنقا بیند

(ص ۵۵، ش ۴۰۹)

سایه عنقا هرگز بر مگس نمی‌افتد و این موضوع به عنوان ضرب‌المثل به کار رفته است. معمولی‌ترین و مورد استفاده‌ترین انواع تمثیل همان می‌باشد که آن را به دو دسته فابل (Fable) و پارابل (parable) تقسیم کرده‌اند. «فابل» آن تمثیلی که قهرمانان آن حیوان‌ها می‌باشند مانند منظومه منطق‌الطیر عطار نیشابوری و «پارابل» تمثیلی که قهرمانانش انسان هستند مانند سندبادنامه. این تقسیم‌بندی در بیشتر فرهنگ‌های غربی هم مورد استفاده و تأیید است (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۶). در علم بیان تمثیل از بحث‌های قابل تأمل است؛ چراکه نظرات درباره آن، بسیار متفاوت و مختلف می‌باشد؛ اما چیزی که در تمامی تعاریف مشترک می‌باشد، در واقع، مشبه‌بھی است که به صورت یک مصراع یا داستان و حکایت، به عنوان یک تمثیل می‌آید. مانند بیت زیر از عراقی:

تا سنبل تر به لاله‌زار آوردی زنگی به تماشای بهار آوردی
بر عارض تو که رنگ دیبا دارد آن خط سیه را به چه کار آوردی؟

شبهاتی که در بین گزاره معقول «عارض» و «خط سیه» در بیت دوم و گزاره محسوس؛ یعنی بیت اول وجود دارد، تمثیلی از زیبایی معشوق را ارائه می‌دهد.

در علم بیان تحت عنوان تمثیل با عناوین دیگری هم برخورد می‌کنیم: تمثیل، تشبیه تمثیل، ارسال-المثل، استعاره تمثیلیه، الحکایه و تمثیل مثل و مثال، تمثیل حیوانی، تمثیل غیرحیوانی، سمبل و تمثیل، اسطوره و تمثیل و.... که به جهت بسیاری عناوین، از عنوان کلی تمثیلات استفاده کرده‌ایم. به گفته شمیسا، سمبل در مفردات قرار دارد و تمثیل در کل یک اثر؛ یعنی می‌توان چنین گفت که سمبل از اجزاء تمثیل است. در تمثیل، مشبه عمیق‌تر از مشبه‌به ظاهر تمثیل می‌باشد؛ چراکه در تمثیل مشبه امری معنوی و معقول و مشبه‌به امری مادی و محسوس است. می‌توان چنین گفت که در تمثیل حرکت از عمق به سطح می‌باشد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۲۶).

تمثیل (Allegory)، حاصل ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به است؛ یعنی اصل بر این است که تنها مشبه به ذکر شده و از طریق آن متوجه مشبه به شویم و به همین سبب، غربیان به تمثیل Extended metaphor؛ یعنی استعاره گسترده هم می‌گویند؛ اما گاهی هم مشبه ذکر می‌شود؛ مانند تشبیه تمثیل کسانی که به دنیا و مادیات چسبیده‌اند؛ که مثل کسانی است که در رهگذار سیل خانه ساخته‌اند؛ که این تمثیل برای اشاره به کسانی است که به امور حقیر و ناپایدار دنیوی مشغولند و عاقبت کارها و اعمال خود را نمی‌بینند، و در نهایت از کار خود سود و ثمری هم نمی‌برند.

در قرآن مجید آمده که «مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفاراً»؛ یعنی مثل کسانی که تورات را با خود دارند؛ اما آن را نمی‌فهمند (مشبه) مثل خری هست که آن کتاب را بار کرده باشند، مشبه به؛ یعنی کسانی که در حال انجام کاری هستند و معنای اصلی آن کار را نمی‌فهمند، پس رنجی بیهوده می‌برند. در واقع، تمثیل بیان حکایات و روایاتی است که گرچه معنای ظاهری دارد؛ اما قصد و هدف گوینده معنای کلی‌تر و متفاوت دیگری است (همان: ۲۲۷).

به استعاره مرکب، استعاره تمثیلیه هم گویند؛ اما درست این می‌باشد که اصطلاح استعاره تمثیلی را در جایی استفاده نماییم که استعاره مرکب، جنبه ارسال‌المثل با ضرب‌المثل داشته باشد؛ یعنی از تشبیه تمثیلی اتخاذ شده باشد. استعاره تمثیلی، مشبه به مرکبی می‌باشد که حکم مثال را داشته باشد. در ارسال‌المثل مشبه هم می‌آید. مانند: مهتاب به گر پیمودن یا خورشید به گل اندودن که استعاره تمثیلی از عمل بیهوده و محال است (همان: ۱۹۴-۱۹۵).

انواع تمثیل:

«تمثیل از نظر قهرمان (شخصیت)، موضوع، درونمایه، زبان، ساختار و منشأ قصه به چند دسته تقسیم می‌گردد:

الف- از نظر قهرمان (شخصیت):

۱- **فابل (Fable)**: «روایتی کوتاه به زبان شعر یا نثر که شخصیت‌های آن حیوان یا اشیاء بی‌جان است» (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه فابل). مانند: «منطق‌الطیر»، از عطار نیشابوری، «مزرعه حیوانات»، از جورج اروول و یا تمثیل «مناظره دیگ و کاسه در مطبخ جم»، از مصیبت‌نامه عطار (به تصحیح نورانی وصال، ۱۳۷۳: ۹۹)

۲- تمثیلی که قهرمان یا قهرمانان آن انسان هستند. این نوع تمثیل خود به دو دسته کلی پارابل (Parable) و اگزومپلوم (Exemplum) تقسیم می‌گردد.

۱-۲- پارابل (Parable): روایت کوتاهی که در آن شباهت‌های جزء به جزء بسیاری با یک اصل اخلاقی یا مذهبی یا عرفانی مطرح می‌شود. به همین سبب هم، عموماً از زبان پیامبران، عارفان و یا انسان‌های بزرگ مطرح می‌شود. مانند: «پیرچنگی» در مثنوی معنوی.

۲-۲- اگزومپلوم (Exemplum) یا حکایت تمثیلی معروف: داستانی تمثیلی که بسیار مشهور است و به محض شنیدن آن متوجه مشابه یا منظور باطنی گوینده می‌شویم. مانند: تمثیل «خرسی که می‌خواست از چهره دوست مگس براند، او را کشت». با خواندن این داستان متوجه این موضوع می‌شویم که: «دشمن دانا به از نادان دوست».

۳- بخشی دیگر از تمثیلات هستند که قهرمانان‌شان برخی انسان و برخی غیر انسان (حیوان و اشیاء) هستند. مانند: تمثیل «طوطی و بازرگان» در مثنوی معنوی یا تمثیلات کلیله و دمنه. همچون تمثیل صیاد و دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو و... (مینوی، ۱۳۷۳: ۱۵۷)

ب- از نظر موضوع:

قدر مسلم، هر نوشته‌ای، منظوم و منثور، بیان‌کننده موضوع و هدفی مشخص می‌باشد، و تمثیل هم از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان تمثیلات را هم به انواع مختلف: اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی و... تقسیم کرد.

ج- از نظر درونمایه (مضمون):

ناگفته نماند که نباید موضوع تمثیل را با درونمایه و مضمون آن یکی دانست؛ چراکه موضوع، یک مفهوم کلی از داستان می‌باشد؛ اما درونمایه و مضمون، کل داستان است. به عبارتی دیگر، درونمایه دربرگیرنده فکر دقیق و اصلی و هدف نویسنده و خالق داستان است. پس درونمایه تمثیل، نسبت به موضوع آن دقیق‌تر و جزئی‌تر می‌باشد. برای مثال وقتی بگوییم، موضوع فلان داستان، اخلاق است (که یک مفهوم کلی است) با این درونمایه که ایثار برترین خصلت‌ها و ویژگی‌ها است؛ می‌بینیم که نویسنده نگرشی دقیق‌تر و جزئی‌تر را در نظر داشته است. همچنین، درونمایه داستان (تمثیل) با نتیجه آن هم متفاوت می‌باشد؛ چراکه درونمایه تمثیل نسبت به نتیجه آن کلی‌تر است» (مر صادقی، با تلخیص کلی)

د) تمثیل از نظر زبان:

«از حیث زبان، تمثیل به دو دسته رمزی و غیر رمزی تقسیم می‌گردد.

دسته اول، که در آن شخصیت‌ها (اعم از انسان و حیوان و اشیاء) یا مفاهیمی که نماینده اشخاص هستند، تبدیل به مفاهیم دیگری می‌شوند و بر معنی حقیقی خود دلالت نمی‌کنند؛ اما تمثیل غیررمزی،

مفهوم یا نتیجه نهفته در تمثیل (اخلاقی، عرفانی و ...) را در نظر دارد و مفاهیم به صورت مستقیم و به دور از کنایه و استعاره بیان می‌شود» (پونامداریان، ۱۳۷۵: ۹)

ه) از نظر ساختار:

برای دسته‌بندی و جداسازی تمثیل یا داستان، باید به عناصر شعر یا داستان و همچنین ویژگی‌های ظاهری و محتوایی آن توجه کرد. سپس با توجه به اشتراکات آن‌ها هر تمثیل را در یک گروه خاص گذاشت» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸-۹)

و) تمثیل از نظر منشأ قصه:

«از آنجایی که هر قصه یا داستان کوتاه یا بلند که شاعر یا نویسنده برای هدفی خاص آن را بیان می‌کند و از آن نتیجه مورد نظر خود را که تأکیدی بر مفهومی عرفانی، اخلاقی، فلسفی و ... دارد به دست می‌آورد، دارای منشأ پیدایشی مشخص می‌باشد، به همین سبب، تمثیلات به چند دسته زیر تقسیم می‌گردد:

۱- اساطیری: تمثیلاتی که منشأ قصه اسطوره است.

۲- تاریخی: تمثیلاتی که در اصل یک واقعه تاریخی بیان می‌شود که برخی ابعاد آن را با کم کردن و برخی دیگر با مبالغه و زیاد کردن در قالب تمثیل قرار می‌گیرد.

۳- دینی: تمثیلاتی که در کتب دینی و آسمانی وجود دارند.

۴- تخیلی: تمثیلاتی که نویسنده یا شاعر با توجه به ذهن خلاق خود ساخته و در هیچ مأخذی برایشان وجود ندارد.

در این بین، آنچه ما در این بررسی انجام دادیم، متفاوت با تقسیم‌بندی‌های معمول بوده است. در این پژوهش ما اشعار عراقی را ابتدا از جنبه معقول و محسوس بودن آن‌ها بیان کرده و از نظر نوع بیان؛ یعنی (شبهات، علت، اثبات دعوی) تقسیم‌بندی کردیم که از این منظر دارای نوع‌آوری است.

۵- بحث و بررسی

پیش از پرداختن به موضوع، درباره شعر عراقی باید گفت که او در اشعارش، زبانی ساده، روان و طبیعی داشته است و همچون مولوی و بسیاری از شاعران عارف دیگر، بیش از لفظ به معنا توجه کرده است.

عراقی شاعری سخنور و هنرمند است که علاوه بر توانایی در شعرهای پرشور و حال عارفانه، در نثر شاعرانه و بیان مفاهیم عرفانی، قابل توجه و شاخص می‌باشد. در حقیقت، مفاهیم عرفانی بن‌مایه اصلی

سخنان اوست. موضوعاتی همچون وحدت وجود، جمال‌پرستی، قلندریات، ملامتی، عشق درد آمیخته، زهد‌گریزی و معشوق محورهای اصلی مکتب و سخن او هستند و تمامی اینان موضوعاتی هستند که برای بیان‌شان نیاز به هنر ادبی همچون تشبیه و استعاره و کنایه و تمثیل و... می‌باشد و تمامی این صنایع در اشعار او وجود دارد؛ اما در این مجال کوتاه، ما تنها به یکی از این صناعات ادبی؛ یعنی تمثیل پرداخته‌ایم.

عراقی به‌عنوان یک نقاش طبیعت و صور خیال، شیوه‌های شگرفی در ایجاد و خلق یک اثر به کار برده است. او با تجسم و تصویرآفرینی، یک امر ذهنی و خیالی را عینی کرده و در حقیقت شعر را از بُعد شنیدار (عقلی) به بُعد دیداری (حسی) رسانده است که این مسأله در تمثیل صدق می‌کند؛ چراکه در تمثیل شاعر در مصرع اول بیت، کلام و مطلب عقلی را بیان کرده و در مصرع دوم با تمثیل، آن امر عقلی را محسوس و عینی می‌نماید و از این طریق بین مصرع‌ها، پیوند شباهت، علت یا اثبات دعوی ایجاد می‌کند که در دیوان عراقی نمونه‌های بسیاری در این مورد قابل مشاهده است.

■ پیوند از نوع شباهت

با همه با هم ولکن از آشکاری نهران
با همه آمیخته از لطف، چون با آب شیر

(عراقی، ۱۳۸۹: ص ۱۳، ش ۸۰)

در تمامی ابیاتی که خواهد آمد مصرع اول گزاره معقول و مصرع دوم گزاره محسوس است. در این بیت تمثیل آمیختن آب با شیر که قابل جدا شدن نیست برای توضیح آشکار نهران استفاده شده است؛ یعنی همانطوری که آب در شیر چنان پنهان می‌شود که قابل تشخیص و دیدن نیست، لطف و مهربانی محبوب هم در عین آشکاری چون آب پنهان است.

ترا دل، لوح محفوظ است و علم از فلسفی گیری؟
ترا خورشید همسایه، چراغ از کوچه گیرانی؟

(ص ۲۸، ش ۲۰۸)

تمثیل چراغ گرفتن از کوچه با وجود خورشید برای توضیح مصرع اول؛ یعنی با داشتن مطلوب در خود در جست‌وجوی همان چیز در جای اشتباه بودن.

چون بود حال ناتوان موری
که کند قصد کوه قاف ز چین؟

زیر چنگ اردش دمی سیمرخ
بردش تا کنار بحر معین

باز سیمرغ بر پرد به هوا
ماند او در آن مقام، حزین
منم آن مور لنگ و آن سیمرغ
مرغ عرش آشیان سدره نشین
(ص ۵۸، ش ۴۳۹ تا ۴۴۲)

تمثیل به داستان افسانه‌ای سیمرغ و کوه قاف. در مرثیه مرگ « شیخ بهاءالدین زکریا » و نیز حالات خود شاعر پس از مرگ مرادش می‌باشد. شاعر خود را در مقابل علاقه‌اش به مراد، چون موری دانسته که در مقابل مرادش که چون کوه قاف بالا و ارزشمند است، می‌داند که هرگز نمی‌تواند به آن جایگاه برسد.

تا کرد نسیم سحر آفاق معطر
در هر چمنی کلیه عطار گشادند
(ص ۱۷۶، ش ۶۴۴)

شاید بشود گفت عراقی سعی کرده با تمثیل این که هر کس از هر چمن بی‌ارزشی، عطاری درست کرده، به آن کسانی اشاره کند که با داشته‌های دیگران به خود نسبت عالم و آگاه یا هر چیز دیگری می‌دهند و از خود چیزی ندارند.

از صد هزار خرمن یک دانه است عالم
با صد هزار خرمن جو دانه‌ای چه سنجد؟
(ص ۹۰، ش ۸۲۰)

عراقی با تمثیل این که دانه جو در مقابل خرمن ارزشی ندارد، اشاره دارد به ادعا کردن افراد پرمدها که بی‌دلیل به داشته اندک و جزئی خود مغرورند.

عمری بطیید بر در یار
آن خسته جگر چو مرغ بسمل
(ص ۱۴۰، ش ۱۴۴۴)

تمثیل مرغی که ذبح نشده و جان می‌دهد و در حالت اضطراب و بی‌قراری است، برای توضیح حیران بودن یار می‌تواند زیباترین تمثیل باشد.

ز شوق او طیان می‌باش پیوست
میان خاک و خون چون مرغ بسمل
(ص ۱۴۹، ش ۱۵۷۸)

همان تمثیل بالا، این برای نشان دادن شوق عشق و یا اضطراب و تکاپو و بی‌قراری که برای عشق است.

بر دلم بار غمت چندین منه
برکھی کوه گران نتوان نهاد
(ص ۱۵۷، ش ۱۶۹۰)

تمثیل این که انسان چون کاهی ناتوان است و غم چون کوهی سنگین که آدمی توان بیش از حد آن را ندارد.

برخاک درگه تو طپیدم بسی ز غم
چون مرغ نیم کشته طپانم بسوختی
(ص ۱۷۱، ش ۱۸۸۷)

تمثیل پختن مرغی که هنوز کامل نمرده (همان تمثیل مرغ نیم بسمل) به طپیدن عاشق غمگینی تشبیه شده که در راه رسیدن به معشوق بی‌قراری می‌کند.

با عشق عقل فرسا دیوانه‌ای چه سنجد؟
با شمع روی زیبا پروانه‌ای چه سنجد؟
(ص ۱۷۵، ش ۱۹۳۴)

تمثیل چرخیدن پروانه به دور شمع، برای عاشق مجنوننی استفاده شده که با دانستن این که در راه عشق فدا خواهد شد، باز به سمت عشق می‌رود.

بگیرد زلف مه رویان همی گشت
چو ماهی، ناگهی افتاد در شست
(ص ۲۴۵، ش ۲۹۱۸)

تمثیل افتادن ماهی در تور و دام برای عاشق شدن استفاده شده که عاشق به یکباره در دام زلف یار اسیر می‌شود. حرف «چو» نوع پیوند دو گزاره را مشخص کرده و از ادات تشبیه می‌باشد.

به دمی زنده کنی صد مرده
عیسی ای، آب حیاتی، جانی؟
(ص ۲۹۴، ش ۳۵۳۵)

در این جا هم گزاره محسوس طول بیت را در بر گرفته و نمود بیشتری یافته، و به گونه‌ای استعاره تمثیلیه است. تمثیل عیسی که جان بخش و زندگی‌بخش است، استعاره از معشوق می‌باشد.

■ پیوند از نوع اثبات دعوی

برون شو زآشیاں جان مکن منزل درین بستان
نگیرد در قفس آرام سیمرغ بیابانی
(ص ۳۵، ش ۲۳۹)

عراقی با این تمثیل خود را مثال سیمرغی می‌داند که رهاست و هرگز در قفس آرام نمی‌گیرد. عراقی هم مانند عارفان دیگر، این جهان جایگاه فانی می‌داند که نباید به آن دل بست، و برعکس باید از قفس تن و جهان رها شد و به بقا رسید.

بود بر پای من عراقی بند
بند برپای، کی توان برخاست؟
(ص ۷۴، ش ۶۲۲)

عراقی از تمثیل بند برپای برای اثبات این ادعای خود استفاده می‌کند که بگوید، کسی که اسیر شده چطور می‌تواند با زنجیری بر پا به پرواز درآید. می‌توان چنین برداشت کرد که شاعر علاقه داشته به از جایی که بود رها شود، چه شهر چه تن فانی؛ اما اسیر خانواده یا زندگی فانی بوده و نمی‌توانسته رها شود و از این تمثیل برای رساندن سخنش بهره برده است.

بدین زبان صفت حسن یار نتوان گفت
به طعمه پشه عنقا شکار نتوان کرد
(ص ۱۸۵، ش ۷۷۱)

با این تمثیل عراقی سعی در رساندن ارزش یار و بی‌ارزشی خود در مقابل یار دارد و خود را به پشه‌ای در مقابل معشوق می‌داند که عنقا است. البته شاید هم اشعار و سخنانش را در حد پشه‌ای می‌شمارد که باز در آن حد نیست که یار را مجاب نماید که شکار او شود.

از آن که چشم تو از عاشقی پر آب بود
بر آب نقش لطیف نگار نتوان کرد
(ص ۸۶، ش ۷۷۵)

تمثیلی بسیار زیبا؛ عراقی عاشقی را چشمانش پر از اشک هجران و درد عاشقی است، عاشق بودنش را چنین اثبات می‌کند که چون چشمان عاشق پر از اشک بود، تصویر معشوق روی آن نیفتاد؛ چراکه تصویر معشوق بسیار لطیف است و روی آب کشیده نمی‌شود.

در کوی عشق بازان صد جان جوی نیرزد
تن خود چه قیمت آرد؟ ویرانه‌ای چه سنجد؟
(ص ۹۰، ش ۸۲۱)

تمثیل و تشبیه تن به ویرانه‌ای است که در قبال عشق هیچ بهایی ندارد.

چه جای تست دل تنگ من، ولی یوسف
گهی فتد به چه تیره گه به زندانی
(ص ۲۲۲، ش ۲۶۲۹)

تمثیل افتادن یوسف به چاه و زندان برای اثبات ادعای عاشقی عراقی که معشوق را به یوسف تشبیه کرده و دل خود را به زندان یا چاهی که یوسف در آن افتاده است.

لعل و گفتار تو با هم در خور است
باشد، آری بابت حلوا شکر

(ص ۲۳۹، ش ۲۸۳۲)

این‌که شکر برای حلوا لازم است، به عنوان تمثیلی برای لب‌ها و سخنان شیرین معشوق استفاده شده است.

دل مرا که به هر حال صید لاغر تست چو می‌کشی بمیفکن، ببند برفتراک

(ص ۲۴۲، ش ۲۸۸۷)

در این تمثیل گزاره معقول و محسوس ببه شکلی در هر دو مصراع درهم آمیخته که جدا کردن آن‌ها در دو مصراع امکان ندارد. کشتن دل و خوار نکردن آن گزاره معقول می‌باشد که در هر دو مصراع هست و شکار صید لاغر و زمین انداختن آن گزاره محسوس که باز در هر دو مصراع آمده است.

در صومعه ننگجد رند شرابخانه عنقا چگونه گنجد در کنج آشیانه؟

(ص ۲۴۶، ش ۲۹۳۱)

تمثیل عنقا و عظمت او برای معبودی که جایگاهش فراتر از دل عارف است، از تمثیل‌های تکراری عراقی است.

نیاید جز خیالت در دل من بجز یوسف سر زندان که دارد؟

(ص ۲۴۹، ش ۲۹۶۶)

اسارت یوسف در زندان، تمثیلی است برای اسیری خیال یار در فکر و روح شاعر. عاشقان را جز سر زلف تو دست آویز نیست چه خلاص آن را که دست آویز ثعبانی بود

(ص ۲۷۷، ش ۳۳۲۷)

تمثیل و تلمیح به عصای موسی که برایش راه رهایی بود، و شاعر زلف یار را به همان عصا تشبیه کرده که تنها راه نجات است.

چو آمد در دل تنگم غم تو شادمان بنشست از ملک خویش سلطان را بدر کردن توان؟ نتوان

(ص ۲۷۹، ش ۳۳۴۳)

استفهام انکاری زیبایی رای نشان دادن عظمت معبود که سلطانی که دل عاشق جایگاه اوست و هرگز نمی‌توان سلطان را از جایگاهش بیرون کرد.

جایی که که این عزیزان جام شراب نوشند آب زلال چبود، کوثر چه کار دارد؟

(ص ۳۲۹، ش ۳۹۶۲)

عراقی از تمثیل آب زلال و کوثر در برابر شرابی که عزیزان می‌نوشند استفاده کرده و جام شراب آنان را زلال‌تر از آب کوثر دانسته است و به این طریق محبوب خود را در بالاترین درجه قرار داده است.

یکی از عاشقان جمال ترا
بربود از مقام آزادی دل
بود نجم از اکابر کبرا
او حسن مجد بغدادی
هست عشق آتشی که شعله آن
سوزد از دل حجاب هر حدثان
وز محبت محبتش بشناخت
وز تجلی عشق، عشقش باخت
مظهر نام دوست را بنهفت
لیس فی جبتی سوی الله گفت
(ص ۴۲۸، ش ۷۲۲ و ۷۲۶ و ۷۴۰ و ۷۵۴ و ۷۵۶)

گزاره معقول، غلبه شوق دوست در بیت‌های قبل از حکایت؛ گزاره محسوس، حکایت نجم الدین کبری و مجد الدین بغدادی. پیوند دو گزاره اثبات دعوی
این حکایت که با بیت بالا شروع شده و تا بیت ۷۵۹ ادامه یافته، درباره دل باختن نجم الدین کبری به مجدالدین بغدادی می‌باشد. شیخ نجم الدین از اطرافیان می‌خواهد تا مجد الدین را نزد او آورند. زمانی که او را نزد شیخ می‌آورند، شیخ از او می‌پرسد چه چیزی را دوست دارد که نجم الدین به بازی شطرنج اشاره می‌کند، شیخ هم قبول می‌کند؛ اما نجم الدین بازی را به شیخ می‌بازد و یکی از مریدان او می‌شود.

حکایت یاد شده تمثیل داستانی به غلبه شوق بر عاشق و در نهایت پیوستن عاشق به معشوق و نیز یافتن مظهر لیس فی سوی الله است.

چون که مغلوب کرد خیلش را
همگی جذب کرد میلش را
حب شطرنج از دلش بربود
بازی ای چند بس نکوش نمود
فرس دولتش چو بازی شد
بیدن همتش به فرزین شد
شاه نفسش از آن عری برخاست
ماه رخ عرصه زان نکوتر ساخت
دستها باز داشت زان دستان
پیل او کرد یاد هندوستان
چون زشوق صفاش بیهش کرد
همه در عشق او فراموش کرد
(ص ۴۲۷، ش ۷۳۹ تا ۷۳۴)

گزاره معقول، جذب میل عاشق از سوی معشوق در بیت اول؛ گزاره محسوس، بیت‌های بعدی. تمثیل عارفانه‌ای از تأثیر مراد بر مرید و جایگزینی عشق حقیقی به جای عشق مجازی.
مرا این دوستی با تو قضای آسمانی بود
قضای آسمانی را دگر کردن توان، نتوان
(ص ۲۷۹، ش ۳۳۴۴)

در این بیت عراقی از تمثیل تغییرناپذیری قضای الهی بهره برده است؛ همان‌طوری که حافظ گفته «گر تو نمی‌پسندی، تغییر کم قضا را»؛ یعنی قضا تغییر نمی‌کند و این دوستی و عشق قضا و تقدیری الهی است که نوشته شده است.

■ پیوند از نوع بیان علت

زیبیدار بفکند قفس، سیمرخ
بی‌صدف قدر یافت دُرِ ثمین

(ص ۵۸، ش ۴۴۴)

تمثیلی که برای دلیل آورده شده به زیبایی می‌گوید که سیمرخ هرگز در قفس نمی‌ماند، مانند مرواریدی که بدون صدف جایگاه و ارزش پیدا کرد.

مست ساقی به رنگ و بو چه کند؟
حاضران را چه کار با پیغام؟

(ص ۱۳۳، ش ۱۳۴۹)

وقتی در محفل حاضر باشی دیگر نیازی به پیغام از یار نداری؛ چراکه در کنارش هستی؛ همان‌طوری که عاشق ساقی نیازی به شراب خوش بو و رنگ ندارد.

دایه مه‌رت به شیر لطف پروردست دل
شیرخواره چون زید کش باز گیرد دایه شیر؟

(ص ۱۶۳، ش ۱۷۷۹)

تمثیل اینکه شیرخواره نمی‌تواند بدون شیر دایه زندگی کند به عنوان دلیل برای مصرع اول استفاده شده است.

دل‌م که حلقه به گوش در تو شد، مفروش
که هیچ قدر ندارد بهای قطره خون

(ص ۱۹۳، ش ۲۲۰۲)

مصرع دوم که گزاره محسوس است، به دلیل و به صورت تمثیل بی‌ارزشی قطره خون آمده که عراقی سعی داشته بگوید که برده حلقه به گوش در محبوب است که ارزشش به اندازه قطره خون است؛ یعنی هیچ ارزشی ندارد.

بیا که بی تو دل من خراب آباد است
جهان نمی‌شود آباد جز به سلطانی

(ص ۲۲۲، ش ۲۶۲۸)

عراقی دل خود را چون خرابه‌ای دانسته که بی‌محبوب آباد نمی‌شود، مانند کشوری که بی‌سلطان آبادی ندارد.

جان لاغر پیش او نتوان کشید
پیش سیمرخ استخوان نتوان نهاد

(ص ۲۶۱، ش ۳۱۲۹)

از تمثیل‌های مطرحی که عراقی به شکل‌های مختلف از آن استفاده کرده است؛ تمثیل سیمرخ است که گاه عظمتش، گاه تنهایی‌گزیدنش و مفاهیم دیگر آن استفاده شده است. سیمرخ در واقع استعاره از محبوب است که عراقی خود را در مقابل او ناتوان می‌داند. در مقدمه هم یادآور شدیم که عراقی تنها در مواقعی که از محبوب و معبودش سخن گفته، خود را خوار و بی‌اعتبار دانسته است.

به عراق ار نرسد باز عراقی چه عجب؟ که نه هر خار و خسی لایق بستان آید

(ص ۲۷۵، ش ۳۳۰۰)

باز هم شاعر خود را در حد خار و خس دانسته که لایق همراهی محبوب نیست.

منم چو مردم چشمت، به من نگاهی کن که اهل دیده به مردم نگاه باز کند.

چگونه دوست ندارد ایاز را محمود که او نگاه به چشم خوش ایاز کند

(ص ۲۹۵، ش ۳۵۵۰ و ۳۵۴۹)

در این ابیات حرف ربط «که» در اول مصراع‌های دوم، دال بر نوع پیوند می‌باشد که علت را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تأمل در اشعار فخرالدین عراقی و به‌خصوص اشعاری که دارای تمثیل هستند، این حقیقت آشکار می‌شود که عراقی هم مانند بسیاری از شاعران عارف مسلک، بیشتر تمثیلاتش جنبه عرفانی و نظری دارند و به همین دلیل می‌توان وجه مشترکی بین شاعران عارف مثل: سنایی، مولوی نظامی، عطار و حافظ با عراقی در مضامین عرفانی پیدا کرد. با توجه به تمثیل‌هایی که در اشعارش مشاهده کردیم آشکار می‌شود که عراقی در مقابل عشق تسلیم بود و تنها در آن زمان خود را ناچیز و حقیر دانسته است. از اساسی‌ترین چیزها که در تمثیل‌های عراقی مشاهده کردیم، سادگی زبان و تمثیلاتی بود که به کار برده است، تا حدی که نیاز به توضیح اضافه نداشتند و تنها با خواندن ابیات می‌توان به تمثیل پی برد؛ چراکه بیشتر آن‌ها از فرهنگ محاوره‌ای و روزمره مردم برداشته شده‌اند و در ذهن مردم وجود دارد و از آن‌ها استفاده می‌کنند، تنها کافی است تا خواننده ارتباط بین دو مصرع را درک کند که این مسأله هم با وجود تمثیل‌های آشکار کار دشواری نیست، به همین سبب ما در ابیات از توضیحات اضافه پرهیز کردیم. ناگفته نماند که در تمثیلات مطرح شده در اشعار عراقی، ابیاتی که پیوند گزاره‌ها برای بیات اثبات دعوی بود در بالاترین بسامد قرار دارد. می‌توان گفت عراقی در بیشتر

تمثیل‌ها، سعی کرده سخن خود را از طریق تمثیل اثبات کند تا هم ظاهر زیبا و هنری داشته باشد و هم معنایی عمیق و ارزشمند را برساند.

فهرست منابع و مأخذ

قرآن کریم

- پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۵). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، علمی فرهنگی.
- حکمت، علی اکبر. (۱۳۶۱). امثال قرآن، تهران، معرفت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). امثال الحکم، تهران، امیرکبیر.
- (۱۳۳۳). لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان، تهران، فردوسی.
- عراقی، فخرالدین. (۱۳۸۹). کلیات، تصحیح سعید نفیسی، تهران، سنایی.
- علی زاده، علیرضا؛ سهراب‌نیا، سهراب؛ حسین پور، عرفان. (۱۴۰۲). بررسی کنایات در ۱۰ قصیده ابتدایی دیوان فخرالدین عراقی، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ص ۹۵۷-۹۵۱.
- (۱۴۰۲). بررسی تلمیح در ۱۵ قصیده ابتدایی فخرالدین عراقی، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ص ۹۷۴-۹۶۸.
- مسلمی زاده، محبوبه. (۱۳۹۶). رویکردی به شگردهای اسلوب معادله و تشبیه تمثیلی در دیوان عراقی، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۳۱، ص ۱۵۷-۱۳۸.
- محمدی افشار، هوشنگ. (۱۴۰۰). تحلیل ساختاری شیوه‌های داستان‌پردازی فخرالدین عراقی در غزل، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ص ۱۸۴-۱۶۶.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). عناصر داستان، تهران، سخن.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۷۳). کلیله و دمنه، ترجمه مینوی تهرانی، مجتبی، تهران، نگاه.

Sources

The Quran

- Poornamdariyan, tagi.(1996). Cryptography and cryptic stories in Persian literature, Tehran, cultural science.
- Hikmet, Ali Akbar.(1983). Like the Quran, Tehran, knowledge.
- Dehkhah, Ali Akbar.(1998). The likes of al-Hakim, Tehran, Amir Kabir.
- (1952). The dictionary, Tehran, the University of Tehran.
- Shafiei kadmeh, Mohammadreza.(1991). The imagination in Persian poetry, Tehran, Agah.
- Shamisa, Cyrus.(2002). Bayan, Tehran, Ferdowsi.
- Iraqi, Fakhraddin.(2010). The whole, corrected by Saeed nefisi, Tehran, Senai.
- Alizadeh, Alireza; Sohrab Naya, Sohrab; hussainpour, Irfan.(2023). The first 10 poems of the Iraqi court of Fakhraddin, Conference of management research and Humanities in Iran, pp. 957-951.
- Alizadeh, Alireza; Sohrab Naya, Sohrab; hussainpour, Irfan.(2023). Review of the composition in 15 early poems of Fakhraddin Iraqi, Conference of management research and Humanities in Iran, pp. 974-968.
- Muslimzadeh, Mahboobeh.(2017). An approach to the methods of equation style and allegorical analogy in the Iraqi court, chronology of allegorical research in Persian language and literature, No. 31, pp. 157-138.
- Mohammadi Afshar, Hoshang.(2021). Structural analysis of Fakhraddin Iraqi storytelling methods in ghazal, chronology of the style of Persian prose and order, pp. 184-166.
- Mirsadigi, Jamal.(2006). Elements of the story, Tehran, speech.
- Nasrallahrmonshi, Abu Al-Ma'ali.(1994). The kidneys and the Demons, the translation of the Tehran menu, the Mujtaba, the Tehran, the look.